

## بررسی نقش و تأثیر مفاهیم قرآنی و شرقی در پیدایش شعر

### تأسی از قرآن پوشکین\*

جان‌اله کریمی‌مطهر

دانشیار دانشکده زبان‌های خارجی دانشگاه تهران

تاریخ وصول: ۸۵/۱/۱۴

تاریخ تأیید نهایی: ۸۵/۳/۱۰

#### چکیده

مقاله حاضر تلاشی است برای معرفی و بررسی قطعه سوم از مجموعه اشعار تأسی از قرآن الکساندر سرگیویچ پوشکین که با الهام از مفاهیم قرآن کریم سروده شده است. نویسندگان بزرگ روسیه با بهره‌گیری از مفاهیم قرآن کریم، آثار جاودانی از خود به یادگار گذاشته‌اند که این آثار، در عین جذابیت برای خوانندگان مشرق زمین، متأسفانه به دلایلی نامشخص، کمتر مورد توجه مترجمان و محققان ایرانی قرار گرفته‌اند. قطعه سوم مجموعه اشعار تأسی از قرآن پوشکین یکی از بارزترین و زیباترین آن‌هاست که با الهام از مفاهیم آیات مختلف سوره عبس سروده شده است. در این مقاله، ضمن تحلیل و بررسی قطعه سوم از مجموعه ۹ قسمتی تأسی از قرآن وی، سعی شده تا آیاتی از قرآن کریم را که منبع الهام و پیدایش این قطعه‌اند، نشان داده شود. این اشعار بازتاب شرایط روحی و روانی پوشکین در دوران سخت تبعید در شمال روسیه در روستای میخائیلوفسکویه است. او با بهره‌گیری از مفاهیم قرآنی و با سرودن این اشعار، روحیه و امید به آزادی را در خود تقویت می‌کرد.

**واژه‌های کلیدی:** قرآن کریم، سوره عبس، تأسی از قرآن، پوشکین، الهام، نویسندگان بزرگ روسیه.

---

\* این مقاله برگرفته از طرح پژوهشی (بررسی آیات و مفاهیم قرآنی در اشعار تأسی از قرآن پوشکین) به شماره ۳۶۳/۳/۱۰۶۷ است، که با حمایت مالی معاونت پژوهشی دانشگاه تهران انجام گرفته است.

## مقدمه

نویسندگان و آثار برجسته دینی و ادبی مشرق زمین و همچنین فرهنگ و اعتقادات شرقی، همیشه مورد توجه نویسندگان و شاعران بزرگ جهان، از جمله نام‌آوران بزرگ روسیه، همچون درژاوین (Г.Р.Державин)، پوشکین (Пушкин)، داستایفسکی (Достоевский)، تالستوی (Толстой)، بونین (Бунин)،... بوده و جایگاه مهمی نزد آنان داشته است. در میان نویسندگان روسی، پوشکین، شاعر بزرگ اوایل قرن نوزدهم، علاقه زیادی به توصیف و انعکاس فرهنگ و سلیقه شرقی داشت، از آثار برجسته وی در این زمینه، می‌توان به منظومه‌های **زندانی قفقاز**<sup>۱</sup> و **فواره باغچه سرای**<sup>۲</sup>، **سفر به ارزروم**<sup>۳</sup> و **روسلان و لودمیلا**<sup>۴</sup> اشاره کرد.

رویگرد به شرق، به عنوان بخشی از جهان‌بینی در سرتاسر دوران فعالیت ادبی شاعر رشد و توسعه یافت. موضوعات و سیماهایی گوناگون از خاور دور و نزدیک- از آسیای میانه و قفقاز، افریقا، دنیای عرب، چین، ترکیه، هند و ایران- در آثارش توصیف شده‌اند.

البته، شایان ذکر است که توصیف سیماها و مضامین شرق در آثار پوشکین یکنواخت نیستند، بلکه در هر اثرش، در مقایسه با آثار گذشته او، رخساره‌هایی نو با ویژگی‌های تازه دیده می‌شود. با مقایسه این آثار، درمی‌یابیم که در هر کدام از آنها، در مقایسه با آثار قبلی، توصیف جدیدی از شرق و مضامین آن دیده می‌شود.

پوشکین در سال ۱۸۲۰ به‌خاطر اشعار آزادی‌خواهانه و ضد استبدادی‌اش، به جنوب روسیه تبعید شد. او مدتی را در قفقاز (Кавказ)، ملداوی (Молдовия) و اوکراین (Украина) گذراند. از آثار برجسته وی در این دوران می‌توان به منظومه **کولی‌ها**<sup>۵</sup> اشاره کرد. پوشکین در سال ۱۸۲۴ به شمال روسیه به ملک والدین خود در روستای میخائیلوفسکویه (Михайловское) تبعید شد و حدود ۲ سال از زندگی‌اش را همراه دایه خود در این روستا گذراند. این سال-ها یکی از دوران بسیار سخت زندگی پوشکین بوده است که دور از زندگی ادبی و هنری پایتخت سپری گردید. در همین دوران در

- 
- 1- «Кавказский пленник»
  - 2- «Бахчисарайский фонтан»
  - 3- «Путешествие в Арзрум»
  - 4- «Руслан и Людмила»
  - 5- «Цыганы»

روستای میخائیلوفسکویه او بیشتر و عمیقتر با ترجمه قرآن به زبان روسی آشنا شد و مجموعه اشعار تأسی از قرآن<sup>۶</sup> را با الهام از مفاهیم قرآنی خلق کرد. در دوران تبعید، در روستای میخائیلوفسکویه اشعار زیادی سروده است که بیشتر آنها بازتاب شرایط روحی و روانی وی از دوران سخت تبعید و همچنین بیانگر عشق و علاقه فراوان او به میهن و آزادی است.

در این مجال، با تحلیل یکی از جاودانه‌ترین سروده‌های پوشکین در روستای میخائیلوفسکویه، یعنی قطعه سوم از مجموعه اشعار تأسی از قرآن، تلاش می‌کنیم منبع الهام و پیدایش این قطعه را نشان داده و همچنین علت توجه و گرایش پوشکین به مفاهیم قرآنی و شرقی را بررسی کنیم.

### بحث و بررسی

ترجمه قرآن به مثابه برجسته‌ترین اثر دینی مشرق‌زمین به زبان روسی، تأثیر عمیقی در مضامین آثار نویسندگان و شاعران بزرگ روسیه از جمله پوشکین داشته است. از نظر خانم کاشتالوا (K.C. Kашталева) محقق روسی، «منبع پیدایش مجموعه اشعار تأسی از قرآن، ترجمه قرآن مجید به زبان روسی بوده است که وریوکین (Веревкин)، یکی از نویسندگان آشنا به فرهنگ شرق و اسلام، در سال ۱۷۹۰ انجام داد» (کاشتالوا ۱۹۳۰، صص ۲۳۷-۲۴۳). چرنیایف (Черняев) ناقد اوایل قرن بیستم روسیه هم معتقد است که قرآن، پوشکین را به سوی مذهب و موضوعات دینی سوق داد: «قرآن، اولین جرقه احیاء مذهب را در پوشکین به وجود آورد و به همین دلیل، اهمیت فوق‌العاده‌ای در زندگی درونی او داشت» (چرنیایف ۱۸۹۸، ص ۵۱).

پوشکین علاقه فراوانی به تاریخ، فرهنگ و ادبیات ملل داشت؛ وی ویژگی‌های ملی و روانی ملل مختلف را در آثار دینی و ادبیات فولکلوری آنها جستجو می‌کرد. اندیشه و تأمل بر روی ویژگی‌های اخلاقی، ملی و روانی، او را به مطالعه و جمع‌آوری آثار فولکلوری روسیه سوق داد. او قصه‌هایی را که دایه‌اش آرینا یاکولنا (Арина Яковлена) برای او تعریف می‌کرد و نیز ترانه‌های قدیمی و مردمی را یادداشت و به‌طور همزمان قصه‌های فولکلوری ملل دیگر را نیز مطالعه می‌کرد. در همین زمینه، او کتاب‌های دینی ملل مختلف، از جمله قرآن را از منظر درک نیروی اثرگذار آن بر دل و جان میلیون‌ها مسلمان، مطالعه و بررسی کرد. او خود فردی مبارز و آزادی‌خواه بود و به زندگی بزرگان و آزادی‌خواهان

جهان نه تنها بی‌توجه نبود، بلکه علاقه خاصی داشت. واسیلی ایوانویچ کولیشف (В.И.Кулешев) ناقد معاصر روسی در این باره می‌نویسد: «پوشکین سعی می‌کرد جهان‌بینی و روحیه رنج دیده‌های واقعی در راه آزادی و مبلغان قوی کلام را که عهده‌دار تغییر و بهبودی زندگی بشر و روحیه بخشیدن به هزاران و میلیون‌ها انسانند، بیاموزد و درک نماید؛ حال آن‌ها به هرملت یا به هر زمان که متعلق باشند، فرقی ندارد. او می‌خواست ویژگی‌های شخصی، ملی و زمانی هر یک از این شخصیت‌ها را تعیین و حس کند تا نیروی تأثیرگذاری آن‌ها بر دل و عقل مردم را بیشتر برای خود تفهیم نماید. در این مورد، مجموعه اشعار تأسی از قرآن که در پاییز ۱۸۲۴ سروده شده، فوق‌العاده است... پوشکین با درک این مطلب که قرآن اهمیت خاصی برای بسیاری از مسلمانان دارد، سعی می‌کرد در حال و هوای آن سیر کند» (کولیشف، ۱۹۹۴، ص ۱۳۱-۱۳۰).

در اینجا لازم است این نکته را یادآوری کنیم که توجه وافر پوشکین به شرق را نباید یک استثنا و فقط منحصر به او بدانیم. همانگونه که پیشتر اشاره شد، مشرق زمین و آثار برجسته شرقی همیشه مورد توجه نویسندگان و شاعران جهان، از جمله روسیه بوده- است، ولی در آن زمان، در اوایل قرن نوزدهم، در دوران حاکمیت مکتب رمانتیسم در ادبیات، نویسندگان اروپایی توجه بیشتری به شرق و نویسندگان شرقی داشتند. گاوریل درژاوین شاعر قرن هجده روسیه در اشعارش از اسلام با احترام یاد می‌کند. از شاعران دیگری که به شرق و اسلام پرداختند، می‌توان گریبایدف (А.С.Грибоедов) و ویازیمسکی (П.А.Вяземский) شاعران و نویسندگان قرن نوزده روسیه را نام برد... ایوان بونین (И.Бунин) شاعر و نویسنده قرن بیستم روسیه نیز «در آثارش از مسجد و مناره و گنبد منقوش سخن می‌گوید. آگاهی بونین از سنت‌های مسلمانان بسیار زیاد است. برای مثال او در اشعار خود اشاراتی به مقدس بودن رنگ سبز نزد مسلمانان دارد. در شعر *امت پیامبر*<sup>۷</sup>، شاعر مسلمانان را در پوششی سبزرنگ که در سنت مسلمانان این رنگ نشانی از پیامبر و فرزندان اوست، مورد خطاب قرار می‌دهد. بونین در شعر *امت پیامبر* از مسلمانان می‌خواهد که مانند سرو آزاده باشند، وی آنان را از تسلیم شدن در برابر بیگانه برحذر می‌دارد...:

چه بسا کشورها،

چه بسا دولت‌ها،

ما هنوز عاشق آن کهنه حصیریم و  
به کافه نرویم،  
ما روانیم به مسجد،  
که فضاییست پر از نور و سکوت

.....

تو که در جامه سبزی و اولاد پیامبر  
به کسی بد منما!  
تو فقط نیکی کن، اما چون سرو سرافراشته باش

.....

بونین اشعاری نیز تحت‌تأثیر اشعار سعدي سروده است. معمولاً  
شاعران روسي در اشعار خود از درخت توس که در فرهنگ روس نماد  
نعمت و سعادت است، سخن می‌گویند. اما در جای جای آثار بونین  
کلمه سرو که نماد آزادی در اشعار شاعران ایرانی است، دیده  
می‌شود. او شعری به نام پند سعدي دارد با مضمون:

بخشنده باش چو نخل، گر نتوانی  
چون سرو باش، افراشته، ساده و نجیب

(طراپزون، ژوئن ۱۹۱۳)

که ملهم از بیت آخر باب هشتم گلستان سعدي است:

گرت زدست برآید، چو نخل باش کریم

ورت زدست نیاید، چو سرو باش آزاد» (یحیی‌پور، ۱۳۸۴، صص ۱۳۹-۱۳۸).

لف تالستوي و فئودور داستایفسکی نویسنده بزرگ قرن  
نوزده روسیه نیز در آثارشان به موضوعات شرقي و اسلامي  
پرداخته‌اند. «لف تالستوي در رمان **حاجي مراد**، روش زندگی و  
خصوصیات شرقي را بسیار استادانه وصف می‌کند. او آن‌چنان  
هنرمندانه نکات ریز و احکام و قوانین اسلامي را وصف می‌کند که  
برای يك محقق مسلمان نیز تحسین برانگیز است» (یحیی‌پور، ۱۳۷۹، ص  
۳۶۶).

بورسوف (Б.И. Бурсов) ناقد قرن بیستم روسیه درباره ارتباط  
دیدگاه‌های داستایفسکی با شرق می‌نویسد: «داستایفسکی تاریخ  
شرق را خیلی خوب می‌دانست، در میان ادیان شرقي، او بیش از همه  
به اسلام علاقه نشان می‌داد. داستایفسکی علاقه‌ای خاص به اسلام  
داشت، چنان‌چه در برخی از آثار او به این مسئله اشاره می‌شود.  
شخصیت پیامبر اسلام برای داستایفسکی از ارزش خاصی برخوردار  
بود» (بورسوف، ۱۹۷۴، صص ۷۱ و ۱۴۷). در یادداشت‌های سال‌های  
۱۸۶۵-۱۸۶۴ داستایفسکی نیز آمده است که «محمد (ص) انسان بزرگی

بود، که توانست، نصف دنیا را مسلمان کند» (داستایفسکی، ج ۲۰، ص ۱۹۸).

اما توجه پوشکین به فرهنگ و کتاب مقدس شرقی‌ها (قرآن مجید) و پیامبر اسلام فوق‌العاده است. او در آثارش فقط به یک یا چند مورد بسنده نکرده است، بلکه مجموعه‌ای کامل و غنی از او به یادگار مانده است که از ۹ قسمت تشکیل شده است. محتوای اشعار این مجموعه بر گرفته از چندین سوره‌های قرآن کریم است.

علاوه بر این در نامه‌های این دوره پوشکین، نیز به قرآن اشاره شده است. برای مثال در اوایل نوامبر ۱۸۲۴ قبل از سرودن مجموعه اشعار تأسی از قرآن به برادرش لف سرگیویچ (Л.Сергеевич) می‌نویسد: «من برای شهرت قرآن زحمت می‌کشم» (نامه‌های پوشکین، جلد ۱۰، ص ۸۴).

دوره تبعید در روستای میخائیلوفسکویه، یکی از دوران پر بار و اوج شکوفایی و پختگی پوشکین می‌باشد که آثار مختلف و متنوعی از او در این دوره به جای مانده است. محتوای شعر تأسی از قرآن نشان می‌دهد که پوشکین قبل از سرودن این شعر، با سوره‌های مختلف قرآن خیلی عمیق آشنا بود و با استفاده از ذوق و خلاقیت شاعرانه خود، آن را با تغییراتی به رشته تحریر در آورده است. بعضی از منتقدان بر این عقیده‌اند که پوشکین حتی قبل از تبعید به میخائیلوفسکویه با قرآن آشنا بود و آن را مطالعه می‌کرد. ب.آ. واسیلیف (Б.А.Васильев) می‌نویسد: «پوشکین از هنگامی که در جنوب (۱۸۲۰-۱۸۲۳) تبعید بود، شروع به مطالعه قرآن کرده است... در آن زمان و همچنین پس از آن در تریگورسکویه (Тригорское) مطالعه قرآن، برای او آرامش روحی به دنبال داشته است» (واسیلیف ۱۹۹۴، ص ۹۴).

ن. و. فریدمان (Н.В.Фридман) ناقد ادبی اواسط قرن بیستم روسیه نوشت: «در پشت چهره محمد، پوشکین تبعیدی نهفته است که در تنهایی خود در میخائیلوفسکویه شعر تأسی از قرآن را سروده است» (فریدمان، ۱۹۴۶، ص ۸۹). د.د. بلاگوی (Д.Д.Благой) دیگر ناقد هم عصر وی نیز معتقد است که در این شعر «بیوگرافی شخصی نویسنده دیده می‌شود» (بلاگوی ۱۸۲۶، ص ۳۸۶). البته، ما معتقدیم که مقایسه پیامبر خدا با شاعر (پوشکین) درست نیست بلکه حتی بسیار هم سطحی‌نگری است، ولی می‌توان گفت که پوشکین با بررسی و مطالعه ترجمه قرآن به زبان روسی، مطالب و موضوعاتی را در آن یافته که به روحیات آزادی‌خواهانه او نزدیک بود. مطالعه ترجمه قرآن کریم در شرایط سخت تبعید در روستای میخائیلوفسکویه موجب

آرامش رُوحی و نیز تقویت امید به رهایی در او می‌شد، او با الهام از مفاهیم قرآنی، اشعاری را سروده که بازتاب شرایط رُوحی و روانی او در دوران سخت تبعید در روستای دور افتاده در شمال روسیه است.

پوشکین در قطعه سوم از مجموعه اشعار تأسی از قرآن که برگرفته از آیات سوره عبس است، مسائل و موضوعات مختلف مثل مراجعه نابینا به پیامبر، ضعیف و فانی‌بودن انسان، قادر و توانا و رزاق‌بودن خدا، و توصیف روز رستاخیز براساس قرآن کریم را به‌نظم درآورده است. البته برخی از مفاهیم مطرح شده در این قطعه در سوره‌های دیگر قرآن کریم نیز آمده است.

رسول، شرم زده روی خویش برگرداند  
چو او شنید صدای عصای نابینا  
دوید و گناهِش به خود اجازه نداد  
که شك نشان بدهد لیک به رسول خدا

و آیه آیه تو را ز آسمان کتاب رسید  
که سر فرود بیاری، نه سر بپیچی از آن  
صبور باش، بگو: «قد تبین الرشد...»  
که جبر نیست به دین، ای شما گنه‌کاران!

چه بوده‌ای تو که این‌سان به خویش می‌بالی؟  
سراب آه و دمی در لباس عریانی  
ضعیف آمده‌ای و ضعیف خواهی رفت  
از این دو روزه کوتاه، فرصت فانی!

نه او که روح تو را از تو می‌ستاند باز  
دو باره خود بدمد جان درون کالبدت؟  
ز آسمان بلندت نگاه داشته است  
تمام ثانیه‌ها، روزهای خوب و بدت؟

مگر نه اینکه به خاکت نصیب و برکت داد؟  
به رنج و خستگی‌ات خوشه خوشه کرد دعا؟  
به باغ‌های ثمر داد و تپه‌ات را نور؟  
به کشتزار تو زیتون و گندم و خرما؟

و روز واقعه است و نفیر اسرافیل

دو بار نعره شیپور و غرش تندر  
برادر از برادر خود می‌گریزد آن روز و  
کنار می‌کشد از ترس کودک از مادر

همه بسوی خدا - «ارجعی الی ربك» -

هجوم ترس، ندامت، هراس، شرم، جنون  
هلاکت است سرانجامتان گنه‌کاران!

میان آتش و گرد و غبار و بستر خون

دو بند اول شعر پوشکین براساس مفاهیم آیات اولیه سوره عبس  
سروده شده است و راجع به نابینایی (سمبل ناآگاهی) است که  
خواهان دانستن و آگاهی است، خداوند به پیامبر خود می‌فرماید که  
وظیفه‌ات تبلیغ است نه اجبار. در ابتدای سوره عبس آمده است:  
«چهره درهم کشید و روی برتافت، از این‌که نابینایی به سراغ او  
آمده بود. تو چه می‌دانی؟ شاید او پاکی و تقوا پیشه کند، یا  
متذکر شود و این تذکر به حال او مفید باشد. اما آن‌کس که  
توانگر است، تو به او روی می‌آوری، درحالی‌که اگر او خود را  
پاک نسازد، چیزی بر تو نیست. اما کسی که به سراغ تو می‌آید و  
کوشش می‌کند، و از خدا ترسان است، تو از او غافل می‌شوی. هرگز  
چنین نیست (که آن‌ها می‌پندارند)؛ این (قرآن) تذکر و یادآوری  
است، و هرکس بخواد، از آن پند می‌گیرد. در الواح پرارزشی ثبت  
است، الواحی والا قدر و پاکیزه، به دست سفیرانی است والامقام و  
فرمانبردار و نیکوکار» (آیات ۱۶-۱).

بهاء‌الدین خرمشاهی در توضیح آیات این سوره می‌نویسد: «این  
آیات و شأن نزول آن معركة آرا و اختلاف بین مفسران اهل سنت و  
شیعه است. از مفسران قدیم اهل سنت طبری، زحشری، میبیدی، امام  
فخررازی و قرطبی برآوردند که در این آیات و آیات بعد خطاب و  
عتاب با پیامبر است که مرد نابینایی به نام ابن ام مکتوم در  
موقعی نا مناسب که حضرت(ص) با بعضی از سران و صنایع قریش  
(از جمله عتبه بن ربیع، ابوجهل، عباس بن عبدالمطلب) سرگرم  
مذاکره بوده و امید قبول دعوت آنان را به اسلام داشته است،  
به نزد حضرت(ص) آمده و به حضرت(ص) با صدای بلند می‌گفته است،  
برای من از آنچه خداوند به تو آموخته است بگو و به من  
بیاموز و پیامبر(ص) در دل خود اندیشیده است که مبادا این  
اشراف و بزرگان مشرک پیش خود بگویند، پیروان محمد (ص) همه  
مردمان بی‌اهمیت و بی‌فرهنگ‌اند، لذا بی‌اختیار از دست او روی در  
هم کشیده و با او به سردی سخن گفته و او را خاموش ساخته



است». بهاء‌الدین خرمشاهی در ادامه اضافه می‌کند که مفسران شیعه نظر دیگری دارند:

«از مفسران شیعه معاصر مغنیه در تفسیر الکاشف بر آن است که در واقع و در نهایت عتاب و خطابی که در این سوره هست، با مشرکان است» (خرمشاهی، ۱۳۷۶، ص ۵۸۵).

در بندهای سوم، چهارم و پنجم قطعه سوم شعر پوشکین به آرامی نعمات الهی یادآوری می‌شود و در ضمن این سؤال مطرح می‌گردد که چرا انسان مغرور است؟ انسان به چه می‌نازد؟ همه آن چیزهایی که به انسان داده شده، فانی است. انسان فانی است و به اراده خداوند هم می‌میرد. محتوای بندهای فوق یادآور آیات ۱۷ الی ۳۲ سوره عبس است: «مرگ بر این انسان! چقدر کافر و ناسپاس است! (خداوند) او را از چه چیز آفریده است؟! او را از نطفه ناچیزی آفرید، سپس اندازه‌گیری کرد و موزون ساخت، آنگاه راه را برای او آسان کرد، بعد او را می‌راند و در قبر پنهان کرد، سپس هرگاه بخواهد، او را زنده می‌کند. چنین نیست (که او می‌پندارد)؛ او هنوز آنچه را (خدا) فرمان داده، اطاعت نکرده است. آن‌سان باید به غذای خویش (و آفرینش آن) بنگردد. ما آب فراوان از آسمان فرو ریختیم، سپس زمین را از هم شکافتیم، و در آن دانه‌های فراوانی رویاندیم، و انگور و سبزی بسیار، و زیتون و نخل فراوان، و باغ‌های پردرخت، و میوه و چراگاه، تا وسیله‌ای برای بهره‌گیری شما و چهارپایانتان باشد».

علاوه بر سوره عبس، در جاهای دیگر قرآن هم به کوتاه بودن عمر مصرف اموال دنیوی یادآوری شده است. برای مثال در سوره حدید آیه ۲۰ آمده است: «بدانید که همانا زندگانی دنیا بازیچه و سرگرمی، و زیور و فخرفروشی در میان شما و افزون‌طلبی در اموال و اولاد است، همانند بارانی که کشاورزان را گیاه آن خوش آید، سپس پژمرده شود و آن را زرد شده بینی، سپس خرد و ریز شود؛ و در آخرت هم عذابی شدید هست و هم آمرزش و خشنودی از جانب خداوند؛ و زندگانی دنیا جز مایه فریب نیست». در آیات ۶۰ و ۶۱ از سوره واقعه هم به فانی بودن انسان و زندگی دوباره او به اراده خداوند اشاره شده است: «ما در میان شما مرگ را مقدر داشته‌ایم، و ما درمانده نیستیم که همانندان شما را جان‌شین شما گردانیم، و شما را در هیأتی که نمی‌دانید باز آفرینیم».

در قسمت آخر قطعه سوم پوشکین، روز قیامت همانطور که در آیات پایانی سوره عبس آمده است، وصف شده است:

«هنگامي که آن صدای مهیب (= صیحة رستاخیز) بیاید، کافران در اندوه عمیقی فرو می‌روند). در آن روز که انسان از برادر خود می‌گریزد، و از مادر و پدرش، و زن و فرزندانش، در آن روز هر کدام از آن‌ها وضعی دارد که او را کاملاً به خود مشغول می‌سازد. چهره‌هایی در آن روز گشاده و نورانی است، خندان و مسرور است؛ و صورتهایی در آن روز غبارآلود است، و دود تاریکی آنها را پوشانده است. آنان همان کافران فاجرنده» (آیات ۴۲-۳۳).

البته ابتدای چهار بیٹی ششم این قطعه، جایی که در آن از دمیدن صور اسرافیل سخن به‌میان آمده، آیه ۶۸ سورة زمر، الهام بخش این قسمت از قطعه سوم است: «و در صور دمیده شود، سپس هر کس که در آسمان‌ها و در زمین است، بیهوش شود؛ مگر آن‌که خدا خواهد؛ سپس بار دیگر در آن دمیده شود، آنگاه ایشان [انسان-ها] ایستادگانی چشم به راهند». در آیات ۱۰۱ الی ۱۰۴ سوره مؤمنون نیز در مورد روز قیامت و دمیده شدن صور اشاره شده است: «آنگاه که در صور دمیده شود، در آن روز پیوند و خویشی در میانشان برقرار نماند، و از هم پرس و جو نکنند. آنگاه کسانی که کفة اعمالشان سنگین باشد، آنانند که رستگارانند و کسانی که کفة اعمالشان سبک باشد، آنان کسانی‌اند که برخود زیان زده‌اند و جاودانه در جهنم‌اند، چهره‌هایشان را آتش می‌گدازد، و ایشان در آن ترشویند».

پوشکین در این قطعه، برداشت و درک خود از کل محتوای این سوره را به کمک قوه تخیل ادبی و شاعرانه خود در قالب نظم در آورده است. همان‌طور که دیدیم او در این قطعه به کوتاهی عمر انسان و دارایی‌های او اشاره می‌کند و اضافه می‌کند که همه ما فانی هستیم و همان‌طور که برهنه و ضعیف آمدیم، برهنه و ضعیف هم خواهیم رفت؛ همچنین در پایان به روز رستاخیز، روزی که در آن انسان باید پاسخ‌گویی اعمال خود باشد و همچنین سرنوشت و عاقبت گناه‌کاران را در این روز یادآور شد.

### نتیجه‌گیری

با توجه به مطالب عنوان شده و همچنین بررسی‌های انجام شده، به این نتیجه می‌رسیم که پوشکین علاقه فراوانی به تاریخ، فرهنگ و ادبیات ملل مختلف داشت و تلاش می‌کرد قدرت تأثیرگذاری آثار برجسته دینی ملل مختلف را تعیین و حس کند و نیز سعی می‌کرد در حال و هوای آن سیرکند.

بررسی قطعه سوم مجموعه اشعار تأسی از قرآن نشان می‌دهد که

پوشکین به‌خوبی با قرآن آشنا بود. البته شایان ذکر است که پوشکین در بسیاری از قسمت‌ها عین محتوای آیات مشخصی از قرآن کریم را نیاورده است. او در بیان موضوعات مختلف قرآن در برخی از موارد از شدت آن کاسته و یا برعکس بعضی از مطالب را با شدت بیشتری بیان کرده است؛ همچنین با استفاده از ذوق و استعداد قوی شاعرانه و براساس درک و برداشت خود، مطالب را منعکس کرده است. البته، علاوه بر ذوق شاعرانه و چه‌گونگی درک و فهم شخصی پوشکین از ترجمه قرآن کریم، بخشی از فاصله جزئی اشعار پوشکین با آیات قرآن را باید به کیفیت ترجمه قرآن کریم به زبان روسی نسبت داد که او از طریق آن با قرآن آشنا شده‌بود و آن ترجمه (ترجمه وریوکین) بیش از دویست سال پیش انجام گرفته است. در ضمن، قصد پوشکین در این مجموعه، ترجمه مستقیم و دقیق آیات مختلف قرآن کریم نبود. آشنایی کافی و عمیق او با کل قرآن، این امکان را به او می‌داد که در توصیف یک موضوع، از محتوای آیات مختلف قرآن که در مورد آن سخن به‌میان آمده است، بهره بگیرد. ما نیز در این مجال تلاش کردیم بسیاری از آنها را نشان بدهیم. برخی از نقل و قول‌های محققان روسی نشان می‌دهد که پوشکین در دوران تبعید در روستای میخائیلوفسکویه و حتی اندکی قبل از این دوران، انس و الفتی خاص با ترجمه روسی قرآن داشت، او نه‌تنها با مطالب قرآن آشنا بود، بلکه وی آنها را عمیقاً مطالعه و بررسی کرده بود که منبع الهام و پیدایش بسیاری از اشعارش شد و ما هم در این فرصت به برخی از آنها اشاره و آنها را بررسی کردیم. او در روزهای سخت و دشوار زندگی خود در روستای میخائیلوفسکویه، قرآن را مطالعه می‌کرد و مفاهیم و اندیشه‌های قرآنی را در قالب شعر منعکس می‌ساخت و بدین ترتیب روحیه خود را در دوران تبعید تقویت می‌کرد و امید به آزادی و رهایی را در خود زنده نگه می‌داشت.

## منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه به‌الدین خرمشاهی، تهران، چاپ سوم، ۱۳۷۶.
۲. قرآن کریم، ترجمه آیت‌الله مکارم شیرازی، قم، چاپ دوم، ۱۳۷۹.
۳. کریبی مطهر، جان‌اله، «بررسی نقش ترجمه و ادبیات ترجمه‌ای در توسعه ادبیات روسیه (تحلیل موردی تأثیر قرآن در مضامین اشعار الکساندر پوشکین)»، پژوهش زبان‌های خارجی، شماره ۱۶، بهار ۱۳۸۳.
۴. یچی‌پور، مرضیه، «حاجی‌مراد، نایی که از مرگش لف نیکلایویچ تالستوی سخت متأثر شد»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، شماره ۱۵۴-۱۵۳، بهار ۱۳۷۹.
۵. یچی‌پور، مرضیه و کریبی مطهر، جان‌اله، «بررسی تأثیر مفاهیم

قرآني و شرقي بر اشعار ايوان بونين»، مقالات و بررسيها  
دانشكده الهيات و معارف اسلامي دانشگاه تهران ، بهار و تابستان  
۱۳۸۳.

6. Алексеев М.П. *Русская классическая лит ерат ура и ее мировое значение*. - Рус. Лит., 1976, № 1.
7. Благой Д.Д. *Творческий пут ь Пушкина*, М., Л., 1950.
8. Бурсов Б.И. *Личност ь Дост оевского. Роман исследование*. Л., Сов. Писатель, 1974.
9. Васильев Б.А. *Духовный пут ь Пушкина*, М., 1994.
10. Достоевский Ф.М. *Полн собр сочинений в 30 т т .*, Л., 1972.
11. Кашталева К.С. *«Подраж ания Корану» Пушкина и их первоист очник - Записи коллегии вост оковедов*. Л., 1930.
12. Кулешов В.И. *Пушкин: ж изнь и т ворчест во*, М., 1994.
13. Пушкин А.С. *Избранные сочинения*, М., 1990.
14. Федоров А. *Русские писат ели и проблемы перевода. - В кн.: Русские писат ели о переводе. XVIII - XX вв.* Л., 1960.
15. Фридман Н.В. *Образ поэт а - пророка в лирике Пушкина*, М., 1946.
16. Чернышевский Н.Г. *Полн собр соч в 15-т и т . т .4*. М., 1948.
17. Черняев Н.И. «Пророк» Пушкина в связи с его же «Подражаниями